

آستین و آنچه که گاه در آن است

علی میرعطائی

بد نیست چند تا از موضع های خودم را روشن کنم. من، حسین درخشان:

دقت کردید که تقریبا همه کسانی که می گویند انتخابات را باید تحریم کرد به یک شکلی از جریان جامعه دور بوده اند؟ یعنی یا در زندان بوده اند، یا در تبعید، یا از نظر ذهنی خودشان را منزوی کرده اند؟

بر عکس تقریبا همه اصلاح طلبانی که می گویند باید رای داد کسانی هستند که در این دو، سه سال اخیر در **وسط** جریان سیاسی و اجتماعی بوده اند و اتفاقا بعضی هایشان هم حسابی لطمه خورده اند.

این علامت خوبی نیست

مخالف سرنگونی حکومت نیمه دموکراتیک جمهوری اسلامی هستم.

مخالف بایکوت انتخاباتم و از رای دادن شدیداً دفاع می کنم.

موافق ریاست جمهوری معین یا لاریجانی ام.

و اما دیگریانی که در ایران و در **وسط** جامعه قرار دارند چه می گویند.:

**بیانیهی کانون وبلاگ نویسان ایران – پن لاگ دربارهی
انتخاب ریاست جمهوری ایران**

مردم ایران در آستانهی گزینش دیگری ایستاده اند،
گزینشی که با هیچ کدام از معیارهای انتخابات آزاد و
دمکراتیک همخوانی ندارد. نامزدهای این انتخابات همگی
در طیف سیاسی و اندیشه ای حکومت اسلامی قرار دارند
و توسط شورای نگهبان و رهبر حکومت تایید شده اند. خرد
و وجدان شهروند ایرانی برای گزینش آزاد سرنوشت

خویش در این انتصابات به سخره گرفته شده است.
بنابراین کانون وبلاگ نویسان ایران در انتخاباتی که:
- آزادی بیان و نشر و اندیشه در آن جرم به شمار می آید.
- حقوق دمکراتیک شهروند ایرانی و وجدان و خردش پایمال
می شود
- از نامزدي نیروهای دگراندیش و بیرون از حکومت اسلامی
جلوگیری می شود شرکت نمی کند و همگان و به ویژه
وبلاگ نویسان را به شرکت نکردن در این نمایش رسوا
فرامی خواند.
کانون وبلاگ نویسان ایران.

کدام درست می گویند؟

باز هم باید به دنبال یافتن:
ریگ و کفش باشیم.

عجب داستانی ست این (سُمی) که همه دارند

وقتی شما این مطلب را می خوانید که دیگر مدتی ست:
آب از آسیاب افتاده است، و آب از سر گذشته.
ولی برای ثبت در تاریخ!! که خوب است. به شرط اینکه از
حافظه مان پاک نشود. و بدانیم که کی جای دوست را
نشان می دهد و کی چون آن حیوان هوشیار!! به فرمان
لوطی هر دو جا را.

•